

آداب دیپلماتیک و تعریف آن

از آغاز قاجار تا پایان دوره ناصری

صبح خسروی زاده^۱

صبح قنبری^۲

چکیده:

موضوع پژوهش حاضر بررسی آداب دیپلماتیک از حیث تعریف و معنای آن در دوران قاجاریه از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه است. آداب دیپلماتیک از ملزومات مناسبات خارجی به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که میزان احترام و شأن نمایندگان خارجی با آن قابل تمیز است. آداب در ابتدای شکل‌گیری قاجاریه برخاسته و برآیند جامعه سنتی ایرانی است. با تشکیل وزارت خارجه و نهادینه شدن آن در دوره ناصری، آداب دیپلماتیک نیز منسجم شد. پژوهش حاضر با در نظر داشتن این روند، سعی دارد تعریفی روشن از آداب دیپلماتیک به مثابه مسئله این تحقیق ارائه دهد و مصداق‌های عینی آن را در پیوند با موضوع پژوهش بکاود. در این راستا از منابع دسته اول اعم از نسخ خطی و مراجع مکتوب تاریخی و سفرنامه‌ای استفاده شده است. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد، آداب دیپلماتیک، چه قبل و چه بعد از شکل‌گیری وزارت خارجه، با کارکرد و مفهوم مهمان‌نوازی و احترام به طرف مقابل صورت می‌گرفت. این مسئله بعد از انعقاد معاهده‌نامه‌ها و انسجام وزارت خارجه در دوره ناصری روشمند و منظم شد.

واژگان کلیدی: آداب دیپلماتیک، مأمورین خارجی، قاجاریه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران

آداب مجموعه‌ایی از حرکات و سکناتی است که افراد در قبال اشخاص یا گروه‌های دیگر به شیوه‌ای خاص اعمال و اجرا می‌کنند و تشریفات و امور رسمی‌ای را دربرمی‌گیرد که شأن و مقام طرف مقابل را با آن تمیز می‌دهند. در حوزه روابط دیپلماتیک، این امور بیشتر مربوط به وزارت دول خارجه است. در نبود یا ضعف وزارت خارجه، اعمالی که حکومت در برابر سفرا یا مأمورین دول خارجه به اجرا می‌گذارد، در مقوله آداب جای می‌گیرد؛ زیرا تشریفات دیپلماتیک در ساده‌ترین نوع حکومت نیز به شیوه‌ایی خاص مرسوم است.

آقا محمد خان در سال ۱۲۰۹ق. حکومت قاجاریه را بنیان نهاد که ادامه روند حکومت‌های پیشین، به‌ویژه صفویه، در امر حکومت‌داری بود؛ زیرا هنوز مشروعیت خاندان صفوی به مثابه خاندان حکومتی شیعه در ایران برقرار بود. اولین شاه قاجار در سه سال فرمانروایی خود، به علت جنگ‌های مداوم و کوتاهی عمر نتوانست به انتظام امور داخلی کشور پردازد. ظهور این سلسله هم‌زمان با تسلط انگلستان بر هند به عنوان یک مستعمره، قدرت‌یابی ناپلئون در فرانسه و ورود دولت روسیه در صحنه سیاست ایران است. تقابل و تعامل کشورهای مذکور با کارداران قاجار، تحولی در مناسبات دیپلماتیک ایجاد کرد که آداب و تشریفات را متحول کرد.

معنا و مفهوم آداب دیپلماتیک

تا قبل از عهدنامه وین ۱۸۱۵ م. / ۱۲۳۰ ق. امور تشریفاتی تابع مقررات و اصول خاصی نبود و هر کس بنا بر رسم و عادت رویه مخصوصی را به کار می‌برد. در صورتی که بعد از این عهدنامه، ابتدا در کشورهای اروپایی و سپس در سایر کشورها رفته‌رفته رسوم خاصی برقرار شد و به شکل نسبتاً واحدی درآمد. (شهیدزاده، ۱۳۴۴: ۴۰) در ابتدای دوران قاجاریه با اینکه وزارت خارجه هنوز شکل نگرفته بود، آداب و تشریفات دیپلماتیک به امر شاه با تعیین مهماندار و هیئت میزبان برای سفرا و مأمورین خارجه رعایت می‌شد. جیمز موریه که در دوران فتحعلی شاه به ایران آمده درباره آداب می‌گوید: «در کشورهای خاور زمین، گماشتن مهماندار برای پذیرایی از ایلچی بیگانه در شمار تکالیفها و آداب

است و درجه اعتبار ایلچی و دربار مربوط به او از مقام مهماندارش آشکار می‌شود. (سفرنامه جیمز موریه، ۱۳۶۸: ج ۱، ۷۹)

تشریفات دیپلماتیک، مجموعه قوانین و مقرراتی است که ریشه در نزاکت دارد. در روابط دیپلماتیک، آداب از ضرورت‌ها می‌باشد. موریه در این باره می‌نویسد: «هنگامی که از جنوب وارد خاک ایران شدیم، در بوشهر استقرار یافتیم» رفتن ما [یعنی از بوشهر به سمت شیراز] پیش از آمدن مهماندار بر گماشته شده بر خلاف آداب ایران بود.» (همانجا)

به‌طور کلی آداب دیپلماتیک را باید مجموعه‌ای مرکب از شیوه‌های برخورد در جشن‌ها، سوگواری‌ها، احترامات تشریفاتی، پذیرایی‌های دیپلماتیک، عناوین و نشان‌ها و القاب رسمی دانست که در خصوص سفرا و مأمورین کشوری در داخل کشوری دیگر به اجرا در می‌آید. این سفرا و مأمورین خارجی، براساس موقعیت و مقامی که داشتند مورد پذیرایی و توجه قرار می‌گرفته‌اند. رابرت گرانت واستن در کتاب تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸ می‌نویسد: «سرجان [کمپل] معتقد بود نماینده‌ای که اختیارات خود را مستقیماً از دولت انگلیس دریافت کرده باشد، نفوذ بیشتری در دربار ایران خواهد داشت؛ بنابراین با پیش آمدن پادشاهی محمد شاه، فرصت مناسبی برای تغییر وضعیت هیئت سیاسی انگلستان در تهران فراهم شد.» (واتسن، ۱۳۴۸: ۲۷۲) از گفته بالا برمی‌آید که نمایندگان مقامات انگلیسی هند، از شأن و موقعیت سفرای لندن در دربار ایران برخوردار نبوده‌اند.

بررسی برخی از مصداق‌های عینی آداب دیپلماتیک در دوره قاجاریه

دوره آغازین حکومت قاجاریه به سبب آغاز روابط رسمی خارجی اهمیت به‌سزایی دارد. گسترش مناسبات خارجی، آداب و تشریفات مخصوص به خود را می‌طلبد. بی‌خبری و بی‌اطلاعی و آداب‌ندانی قاجارها در روابط رسمی دیپلماتیک، چنان‌که از منابع سفرنامه‌ای این دوره برمی‌آید (سفرنامه جیمز موریه، پیشین: ج ۱، ۲۳۸؛ واتسن، پیشین: ۲۲۵)، شاید اندکی اغراق‌آمیز باشد؛ اما خالی از واقعیت نیست. نامه فتحعلی شاه به وزیر امور خارجه فرانسه نمونه‌ای از این آداب‌ندانی‌هاست. در روابط میان دولت‌ها معمول

است که پادشاهان تنها به پادشاهان نامه می‌نویسند و مرسوم نیست که پادشاهی به وزیر کشور دیگر نامه بنویسد. کم‌آگاهی و نداشتن علم به امور دیپلماتیک از علل چنین اشتباهاتی در مناسبات خارجی است. نامه مزبور را خانبابا بیانی در کتاب "سیاست ناپلئون در ایران در زمان فتحعلی شاه" آورده است. (بیانی، بی‌تا: ۱۰۹)

از سوی دیگر، اهمال و کم‌کاری در امر تشریفات، سبب عتاب و تنبیه‌های شدید بوده است. یکی از ژنرال‌های روس، زمانی که از طرف دولت خود با عباس‌میرزا نایب‌السلطنه در تبریز دیدار کرد، بدون توجه به آداب و رسومات ایران که به هنگام حضور در برابر حاکم باید پای افزار خود را درآوردند، بر عباس‌میرزا وارد شد. نایب‌السلطنه، امر به تنبیه رئیس تشریفات کرد و وی را به چوب بستند. (علوی شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۸) در خصوص در آوردن پای افزار، جیمز موریه و حتی مسافران دیگری که بعد از دوره فتحعلی شاه به ایران آمده‌اند، بحث‌های جالبی را مطرح می‌کنند. موریه در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «برای دیدن پادشاه، همگی نعلین سبز پاشنه‌بلند و جوراب قرمز پاشنه‌بلند یا جامه رسمی دربار که پیوسته در پیشگاه شاه باید بر تن داشت پوشیدیم ... [وی می‌افزاید]: بعد از تشریفات، ما پای افزار را از پای بیرون کرده، به پیشگاه شاه رفتیم». (سفرنامه جیمز موریه، پیشین: ج ۱، ۲۲۸ - ۲۲۶) گویا این رسم در دوره بعدی نیز رواج داشته است؛ اما با تغییراتی که در روند آداب دیپلماتیک به وجود آمد، این تشریفات برچیده شد و از دوره محمد شاه به بعد، سفرای دول خارجه با سبک لباس رسمی دربار ایران به محضر پادشاه نمی‌رفتند و با لباس کشور خود تشریفات بار یافتن به حضور پادشاه را انجام می‌دادند.

در دوره ناصری، شیوه به جا آوردن تشریفات و آداب دیپلماتیک با دو دوره قبل از خود تفاوت دارد و این ناشی از نظام‌مند شدن دستگاه دیپلماسی قاجاری است. همچنان رعایت نکردن تشریفات مذکور مشکلاتی را در امور سیاسی به وجود می‌آورد. آدریان هی تیه در "یادداشت‌های سیاسی دوگوبینیو" می‌نویسد: «صدراعظم [آقا خان نوری] به من [دوگوبینیو] پیغام داد که کاردار ایران در سن پترزبورگ در شام رسمی که به مناسبت جشن تولد شاه داده فراموش کرده بود جام خود را به سلامتی پادشاهانی که سفرایشان در مجلس حضور داشتند، بلند کند و این اشتباه موجب شد، کاردار فرانسه به وی تذکر

بدهد. صدراعظم اصرار دارد که این حادثه را با جناب‌عالی در میان بگذارم و بگویم تنها عدم حضور ذهن یا عدم آشنایی به آداب و رسوم دیپلماتیک باعث این کوتاهی میرزا محمد قاسم خان شده است؛ زیرا در مورد اعلی‌حضرت امپراتور فرانسه دولت ایران و مأموران سیاسی آن نمی‌توانند مظنون به بی‌احترامی یا بی‌محبتی و حق‌نشناسی بشوند. صدراعظم با شدت هر چه تمام‌تر مایل است جناب‌عالی متقاعد شوید». (هی تیه، ۱۳۷۰: ۱۹۰) در این قسمت به چند نمونه دیگر از آداب دیپلماتیک در دوره قاجاریه اشاره می‌شود:

آداب در هر کشوری، بر مبنای رسوم متداول آنجا مقرر می‌شود؛ در ایران به شکلی و در روسیه به شکل دیگر. برای نمونه در دولت روسیه، هم‌زمان با دوره فتحعلی شاه، ظاهراً رسمی بوده است که برای ایلچیان دول خارجه جشنی برگزار می‌کرده‌اند. در این جشن که محفل دانس (dance) یا همان بزم و رقص بوده است، ایلچیان و غربای اطراف و اکناف را به لحاظ جایگاه اخلاقی آزمایش می‌کردند. هر گاه مهمان در هنگام شرب شراب و دیدن زنان زیباروی خود را می‌باخت و به مراسم لهو و لعب می‌پرداخت، در مورد آن شخص احترامات شایسته را به جا نمی‌آوردند و آن مهمان در نظرشان کم‌اهمیت جلوه می‌کرد. (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۷۲۵) ایران نیز براساس موقعیت و شرایط محیطی، آداب و مراسم مخصوص به خود داشت. گاسپار دروویل که در دوره فتحعلی شاه به ایران سفر کرده است در کتاب "سفر در ایران" اطلاعات مهمی در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست می‌دهد: «در تشریفات رسمی دربار، کلاه را با شال می‌آرایند و کلیه مأمورین دیوان‌خانه باید چنین کلاهی را بر سر و لباس رسمی را بر تن کنند. لباس مزبور عبارت از روپوشی است که با پوست یا پنبه‌دوزی آستر شده است و تا روی زانو می‌رسد. یقه این لباس از پوست سمور است و تا روی شانه‌ها می‌افتد». (دروویل، ۱۳۶۴: ۱۹۲) رنگ قرمز را شاید بتوان از پرکاربردترین رنگ‌ها نزد دربار ایران در دوره‌های فتحعلی شاه و محمد شاه جهت مراسم رسمی دانست و در منابع مختلف نیز به این مسئله اشاره شده است. (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۴۰ - ۱۳۹؛ دوکوئزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۵۸)

زبان دیپلماسی در دوره مورد مطالعه این پژوهش با استناد سعید نفیسی - پژوهشگر و صاحب کتاب "تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر" - به متن فرانسوی قرارداد ترکمن‌چای - تنظیم شده توسط روس‌ها - زبان فرانسوی بوده است. (نفیسی، ۱۳۴۴: ج ۲، ۱۷۹) در دوره محمد شاه نیز تسلط زبان فرانسوی بر دستگاه دیپلماسی آن روز روشن و مشخص است. میرزا مسعود انصاری وزیر خارجه محمد شاه نیز از جمله کسانی بوده که در این دوره به زبان فرانسه تسلط کامل داشته است. ناصرالدین شاه نیز از تعلیمات زبان فرانسه بی‌بهره نماند. تعلیمات آغازین وی حکایت از یادگیری زبان فرانسه تحت نظر معلمی فرانسوی - مادام گل ساز - می‌کند. (امانت، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

نشستن در پیش‌گاه پادشاه برای کسی جایز نیست؛ اما کسانی از این قانون مستثنا بودند. خویشاوندان شاه، شاعران، دانشمندان، روحانیون و ایلچیان از این جمله‌اند؛ حتی بلندپایه‌گان کشور هم، حق نشستن در پیش‌گاه شاه را نداشته‌اند. (سفرنامه جیمز موریه، پیشین: ج ۱، ۳۱۴)

اختلاف در شیوه‌های آداب دیپلماتیک، گاهی سبب ناراحتی سفرا و ایلچیان می‌شد. در ایران معمولاً سه یا پنج روز را برای استراحت سفیر یا ایلچی مقرر می‌کردند و او بعد از آن می‌بایست فوراً به دیدار شاه برود. این کار جهت احترام و اعتبار به سفیر انجام می‌پذیرفت؛ اما چون این رسم در کشوری مانند انگلیس جایی نداشت، هنگامی که ابوالحسن خان ایلچی به لندن رفت، مدت زیادی معطل ماند تا به خدمت پادشاه انگلیس برسد؛ درحالی‌که در ایران دیر شدن این آیین‌ها نشانه بی‌اعتنایی بود. (همان، ج ۲، ۴۴۷) در ایران در هر منزلی که ایلچی خارجی فرود می‌آمد، مردم گروه‌گروه به استقبال وی می‌رفتند؛ درحالی‌که میرزا ابوالحسن در لندن چنین چیزی را مشاهده نکرد. تنها دو کالسکه با معدودی از افراد، میزبانان او بودند. (همان، ج ۲، ۴۴۶)

از آداب مهمی که بین دو مقام از کشورهای گوناگون روی می‌دهد و در بحث آداب حائز اهمیت است، برخورد اول با ایلچی بیگانه است. در اروپا رسم بر این بوده است که به هنگام دیدار دو نماینده سیاسی، طرفین با هم دست بدهند و به نظر می‌رسد، در دوره فتحعلی شاه نیز از چنین رسمی نام برده شده است. سپهر در کتاب "ناسخ‌التواریخ" نقل می‌کند که زمان آمدن الکساندر یرملوف، حسین خان سردار «به قانون اهالی یورپ

که علامت محبت نهاده‌اند» دست سفیر روس را فشار داد. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۷۲) این رسم در دستورالعمل‌های صادر شده در دوره ناصری نیز گنجانده شد. (نسخه خطی شماره ۷۳۳: برگ ۲۷)

در زمان حضور در برابر پادشاه در ایران رسم بر این بود که سه بار سر فرود آورند و این قانون را سفرای ایران در دول خارجه نیز رعایت می‌کردند. (لسان‌الملک سپهر، پیشین: ج ۲، ۹۶) از مهم‌ترین بخش‌هایی که در سفارت‌ها و در مبحث آداب مطرح است، قضیه هدایا و تحف سفرا است که اهمیت ویژه‌ای دارد.

ایرانیان به آداب اهمیت فراوانی می‌داده‌اند و این را از بررسی خرده‌گیری‌های سفرای ایرانی به دول خارجه می‌توان دریافت. این خرده‌گیری‌ها نحوه ورود، پوشش و حتی نشستن در حضور پادشاه را نیز دربرمی‌گرفت. سفارت محمدعلی خان به فرانسه در سال (۱۲۶۳ق.) نمونه‌ای از این نوع سفارت‌هاست. او تا آداب جزئی را در مورد وی رعایت نکردند با پادشاه فرانسه دیدار نکرد. (همان، ج ۲، ۱۹۵)

در پیمان‌نامه‌های منعقدشده در آغاز روابط رسمی خارجی با اروپا، چون کمتر تجربه انعقاد قراردادهای سبک جدید در میان بود، بر سر نوشتن تاریخ میلادی و قمری اختلاف به وجود می‌آمد. (سفرنامه جیمز موریه، پیشین: ج ۱، ۲۳۸) اما آن‌چنان‌که در قراردادهای منعقدشده دیده می‌شود، درنهایت در تمامی قراردادهای، در طول این دوره و حتی بعد از آن تا انقلاب مشروطه و بعدها برآمدن رضاشاه، تاریخ را براساس دو تاریخ میلادی و قمری می‌نگاشته‌اند. در متن فارسی سعی بر اولویت تاریخ قمری و به دنبال آن تاریخ میلادی بوده است و در متن خارجی آن برعکس. (نک: نسخه خطی شماره ۱۵۶۹) مسئله دیگری که در بحث آداب باید به آن پرداخت، در رابطه با سوگواری‌ها و تهنیت جلوس‌ها است. در جریان قتل حاجی خلیل خان، مستر منستی و همراهان او که برای عذرخواهی از قتل سفیر به دربار ایران آمده بودند بلیوز بصره - مستر منستی - با لباس‌های نیلی فام که نشانه ماتم و سوگواری بود، روانه دربار شاه شد. (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۹۸ - ۱۹۷) این امر نشان می‌دهد در بحث آداب دیپلماتیک، برای رسوم کشورها نیز اهمیت قائل‌اند و می‌توان گفت بخش اعظمی از این آداب، برگرفته از عرف و فرهنگ مردم آن کشورهاست.

نکته مهمی که در پایان به آن اشاره می‌شود، نحوه تأثیر علما بر آداب دیپلماتیک است. علما از جمله طبقاتی هستند که در حکومت قاجاریه و به‌ویژه از دوره فتحعلی شاه بر قدرت آنها افزوده شد. فتحعلی شاه که برای جنگ ایران و روس نیروی نظامی می‌خواست، با استفاده از فتوهای علما در خصوص جهاد علیه کفر، نیروهای مورد نیاز خود را جمع‌آوری کرد. در این دوره، علمای بسیاری در نقاط گوناگون پایتخت مستقر شدند و از نقاط دور به ایران آمدند. مجموعه فتوهای این علما را میرزا عیسی قائم مقام در کتاب "رسائل جهادیه" گردآوری کرده است. این طبقه اجتماعی با استفاده از نفوذ خود در جریان آداب و تشریفات دیپلماتیک به وزنه‌ای در برابر حکومت تبدیل شدند. واتسن در "تاریخ ایران قرن نوزدهم تا ۱۸۵۸" می‌نویسد: «بعد از مرگ تزار الکساندر، برادرش نیکلا بر تخت نشست و پرنس منچیکف از طرف دربار روس، عازم تهران شد [از سفیر روس با احترامات زیاد استقبال کردند و شاه اظهار امیدواری کرد که با ورود او، اختلافات راجع به مسائل سرحدی بین ایران و روسیه به طرز رضایت‌بخشی تسویه شود؛ ولی هنوز مذاکرات شروع نشده بود که دسته کلانی از مجتهدین تهران به ریاست امام جمعه اصفهان به اردوگاه همایونی آمدند. پرنس منچیکف برای تخلیه گوگچای (که خواسته مجتهدین و مسئله اختلافی بین روس و ایران بود) اختیاری نداشت؛ بنابراین شاه ناگزیر شد جلسات مذاکره را تعطیل و گذرنامه پرنس را تسلیم کند؛ ولی نسبت به او حداکثر آداب و احترام را رعایت کردند و شاه با دادن هدایایی گران‌بها سعی کرد ملالت خاطر نماینده روس را که دستور خروج از دربار قاجاریه را دریافت داشته بود، تخفیف بدهد و به نظر می‌رسید که تمام مردم ایران برای جهاد آماده بودند». (واتسن، پیشین: ۲۰۱) در زمان آغاز جنگ‌های دوم ایران و روس، میرزا ابوالحسن خان ایلچی - وزیر خارجه - و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله با اعلان جنگ علیه روسیه مخالفت کردند و چون این مخالفت با سیر کلی نظر علما متفاوت بود، این دو از سوی آنها ملامت‌های زیادی شنیدند. (لسان‌الملک سپهر، پیشین: ج ۱، ۲۱۶) سیر قدرت علما با حکومت محمد شاه دچار افولی موقتی شد. در این دوره که واکنش اعتقادی به دوره فتحعلی شاه بود، صوفیان قدرت گرفته و طریقت را بر شریعت مقدم داشتند و حتی سفرا و ایلچیان

را از میان صوفیان بر می‌گزیدند. (ناطق، بی‌تا: ۴۰) اما این روند چندان نپایید و در دوره ناصری، بار دیگر علما قدرت گذشته را باز یافتند.

نتیجه‌گیری:

آداب دیپلماتیک و تعریف آن از آغاز حکومت قاجار تا پایان دوره ناصری عنوان پژوهش حاضر است. آداب مذکور، اعمالی را دربرمی‌گیرد که کشوری در برابر نماینده کشوری خارجی به اجرا می‌گذارد. این آداب در کشورهای مدرن، بخشی از وظایف وزارت خارجه به شمار می‌آید. در ایران، شاه، صدراعظم، درباریان، علما و ... در چگونگی اجرای آداب تاثیرگذار بودند. با توجه به موضوع محور بودن تحقیق، ارائه توصیفی از آداب دیپلماتیک در دوره مورد بحث به مثابه مسأله پژوهش تلقی می‌شود. آداب دیپلماتیک هر چند در اروپا بعد از عهدنامه وین (۱۸۳۰م-۱۲۳۰ق) به صورت نظام‌مند درآمد؛ اما در ایران آن زمان به دلیل نبودن نهادی به اسم وزارت خارجه همچنان سنتی با اندکی تحول آن هم به سبب ارتباطات زیاد با اروپاییان ادامه یافت. این روند با انسجام در وزارت خارجه دوره ناصری تکامل پیدا کرد و آداب براساس نظم و قاعده درآمد.

منابع:

امانت، عباس، قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ ق.)، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه، چاپ اول، ۱۳۸۳.
بیانی، خانبابا، سیاست ناپلئون در ایران در زمان فتحعلیشاه، تهران، شرکت چاپ کتاب، بی‌تا.

تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابچه تشریفات وزارت خارجه، نسخه خطی شماره ۷۳۳.

تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، صورت عهدنامه‌ها و قراردادهای، نسخه خطی شماره ۱۵۶۹.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله، تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، سازمان چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

دروویل، گاسپار، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، بی‌جا، انتشارات شباویز، ۱۳۶۴.

دوکوتز بوئه، موریس، مسافرت به ایران دوره فتحعلی شاه قاجار، ترجمه محمود هدایت، بی‌جا، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۵.

سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران انتشارات توس، ۱۳۶۸.
شهیدزاده، حسین، تشریفات دیپلماتیک در یک قرن پیش، تهران، نشریه وزارت امور خارجه، شماره دوم، دوره سوم، ۱۳۴۴.

علوی شیرازی، میرزا هادی، سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلیچی به روسیه، مقدمه محمد گلین، تهران، ۱۳۶۳.

فریزر، جیمز بیلی، سفرنامه فریزر (معروف به سفر زمستانی)، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۴.

لسان‌الملک سپهر، میرزا محمدتقی، نسخ‌التواریخ، به اهتمام و تصحیح جهانگیر قائم مقامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۷.

ناطق، هما، ایران در راهیابی فرهنگی ۱۸۴۸ - ۱۸۳۴، بی‌جا، انتشارات خاوران، بی‌تا.
نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۴۴.

واتسن، رابرت گرانت، تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.

هی تیه، آدریان، یادداشت‌های سیاسی کنت دوگوبینیو، مترجم عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، انتشارات جویا، ۱۳۷۰.